[211] كسى هستم كه در كرامت بر همهء مردمان آقائى داشت، من فرزند كسى هستم كه بر مردم جهان در راستى وبخشندگى برترى داشت، شاخه أي بارور بود، ودر برتريها پيشگام، من فرزند كسى هستم كه خشنودى أو خشنودى خداوند، وخشمش خشم أو مى باشد پس أي معاويه آيا حق دارى به چنين كسى جسارت كنى. معاويه گفت: نه، گفتارت را درست مى دانم، امام فرمود: حقيقت روشن است وباطل تاريك، آنكس كه به حق گرائيد پشيمان نشد، وكسى كه كار باطل نمود زيانكار گرديد، وحقيقت را درست انديشان مى شناسند. معاويه از منبر پائين آمد ودست امام را گرفت وگفت: هر كه به تو بدى كند از آفرين دور باد. (34) خطبهء آن حضرت در شناسائى خود ومعاويه روايت شده: هنگاميكه معاويه به مدينه آمد خطبه خواند وگفت: على بن ابى طالب كجاست، امام حسن عليه السلام برخاست وپس از حمد وثناى الهى فرمود:
